بررسی وضعیت زنان در آموزش عالی در دولت‌های نهم و دهم

خیزش آرام و نجیبانه زنان

محمد حسین نجاتی

عکس: امیر جدیدی، شرق

بررسی وضعیت زنان در آموزش عالی ایران در دولت‌های نهم و دهم با نگاه واقع‌بینانه، پیش‌زمینه را در دل خود دارد. اینکه، چقدر روند تصمیمات و اقدامات در دولت‌های نهم و دهم، به کام دانشجو و استاد و دانشگاه بوده که حالا می‌خواهد به کام زنان باشد؟ اما فارغ از این پیش‌زمینه، بررسی وضعیت زنان در آموزش عالی طی هشت‌سال اخیر خالی از لطف نیست. آغاز فعالیت دولت نهم به ریاست محمود احمدی نژاد با یکی از مهم‌ترین و تاریخی‌ترین مسایل آموزش عالی در ایران همراه شد. زنان با خیزی بلند، سهم بالاتری را در کرسی‌های دوره لیسانس در دانشگاه‌ها نسبت به مردان کسب کردند. پس از سال‌ها سهم بالاتر مردان در صندلی دانشگاه‌ها در دوره لیسانس آب رفت و زنان توانستند برای اولین‌بار ۶۰درصد ازکرسی‌های دانشگاهی در دوره کارشناسی را از آن خود کنند. از سوی دیگر واکنش تصمیم‌گیران آموزش عالی نسبت به این موضوع نه به‌عنوان فرصت که به‌عنوان تهدید قلمداد شد. در ادامه اجرای مثلث طرح‌هایی همچون سهمیه‌بندی جنسیتی، پذیرش تک‌جنسیتی و تفکیک جنسیتی، سیاست‌هایی در جهت مهندسی این رویداد را پیش راند. اما موج پیشروی زنان برای کسب کرسی‌های دانشگاهی پس از چهار سال از آغاز دولت نهم، به مقطع کارشناسی‌ارشد رسید و سال گذشته همزمان با سومین سال فعالیت دولت دهم و هشتمین سال از فعالیت دولت‌های محمود احمدی‌نژاد، این موج خود را به آزمون دکترا رساند. به‌طوری‌که هم‌اکنون در اتفاقی بی‌سابقه بیش از ۴۰درصد از متقاضیان ورود به دوره دکترا را زنان تشکیل می‌دهند. تغییر طول موج پیشروی زنان برای کسب کرسی‌های دانشگاهی اما منجر به تغییر رویکرد تصمیم‌گیران دولتی در وزارت علوم نشد، به‌طوری‌که سال گذشته رییس سازمان سنجش آموزش کشور با صراحت اعلام کرد:«در رشته‌های نظری کنکور، خانم‌ها بیشتر از آقایان حضور دارند و باید در این امر تعادل ایجاد شود و در مقطع کارشناسی‌ارشد تعادل دختران و پسران رعایت شود.» از سوی دیگر مسایلی همچون اجرای طرح‌های سهمیه‌بندی جنسیتی و تفکیک جنسیتی، حذف پذیرش دختران در برخی رشته‌های فنی و مهندسی مانند مهندسی نفت و معدن، حذف رشته مطالعات زنان و سهم اندک زنان در مدیریت و عضویت در هیات‌های علمی از جمله مواردی است که می‌توان بر اساس آن گفت عملکرد دولت‌های نهم و دهم در حوزه آموزش عالی به کام زنان نبوده است.

کاهش شانس ورود دختران به دانشگاه‌های معتبر

هم‌اکنون بر اساس آمارهای موجود و رسمی از سوی سازمان سنجش آموزش کشور تنها ۱۷درصد از متقاضیان ورود به دوره کارشناسی‌ارشد جذب دانشگاه‌های دولتی و معتبر کشوری می‌شوند؛ آماری که اگر آن را با میزان ۶۰درصدی حضور دختران در کنکور سراسری و سیاست‌های پذیرش جنسیتی مقایسه کنیم، با احتمال و کاهش شانس ورود دختران به دانشگاه‌های دولتی و معتبر کشور مواجه می‌شویم. همچنین این نابرابری‌های به زیان زنان، ابعاد بسیار بیشتر از اینها دارد. طبق آمارهای سال ۹۰، زنان حدود ۴۴درصد از ثبت‌نام‌شدگان موسسات غیرانتفاعی و ۴۱درصد از ثبت‌نام‌شدگان دانشگاه آزاد هستند، چراکه متاسفانه به دلایل فرهنگی و ساختاری جامعه ایران، قدرت مانور مالی آنها برای پرداخت شهریه اندک است. همچنین زنان فقط ۴۴درصد ثبت‌نامی‌های آموزش حضوری را تشکیل می‌دادند چراکه فرصت آنها کمتر است و از سوی دیگر ۶۵درصد ثبت‌نام‌شدگان آموزش پیام نور زنان بودند و بالاجبار از این راه دنبال تحصیل می‌رفتند، جایی که انواع مشکلات کیفیتی مضاعف در آن هست. از سوی دیگر زنان فقط ۴۶درصد ثبت‌نام‌شدگان کارشناسی‌ارشد و ۴۲درصد ثبت‌نامی‌های دکترای تخصصی هستند، چون آزادی عمل آنها برای ادامه تحصیل در میان آنان کمتر است.

پناه‌آوردن زنان به دانشگاه پیام‌نور

از سوی دیگر علاوه بر مسایل مطرح شده نابرابری‌ها در جمعیت دانشجویی کشور نیز مشهودتر است. کمتر از ۳۹درصد دانشجویان دانشگاه آزاد و۴۳ درصد دانشجویان دانشگاه‌های روزانه را دختران و زنان جامعه تشکیل می‌دهند. آنها غالبا به پیام‌نور پناه آورده‌اند به‌طوری که ۶۸/۵درصد دانشجویان دانشگاه پیام‌نور را زنان تشکیل می‌دهند. دانشگاه‌هایی که وقتی کیفیت در آموزش حضوری کشور دچار چالش‌های خاص خود است، تکلیف نیمه حضوری‌اش معلوم است. در دانشجویان تحصیلات تکمیلی، سهم زنان ۴۶درصد کارشناسی‌ارشد و ۳۷درصد دکترای تخصصی است. این سهم در دوره دکترای نیمه‌حضوری تا حد ۳۱درصد پایین‌تر می‌آید. همچنین وقتی نوبت به دانش آموختگان می‌رسد زنان بیشتر دست پایین دارند. سهمشان در برونداد دانشگاه‌های دولتی کمتر از ۳۸درصد و در بقیه هم حداکثر ۴۰درصد است. این شاخص در دوره‌های دکترا به پایین‌تر از ۳۲درصد نیز تنزل می‌یابد.

سهم پایین زنان در هیات علمی دانشگاه‌ها

هم‌اکنون حدود ۲۰درصد «هیات علمی تمام وقت» دانشگاه‌های دولتی، زنان هستند و در کل هیات‌های علمی نیز ۲۳درصد هستند. در مجموع دولتی و غیردولتی، حدود ۲۴درصد هستند. در استان‌هایی مانند قم و کهگیلویه‌وبویراحمد، سهم زنان در هیات علمی کمتر از ۱۵درصد و در حدود ۱۲ استان محروم کشور، کمتر از ۲۰درصد است. این درحالی است که طی سال‌های اخیر نه تنها اقدامی برای افزایش میزان حضور زنان در هیات علمی دانشگاه‌ها صورت نگرفته است، بلکه اقداماتی همچون، تفکیک جنسیتی در دانشگاه و محدودیت‌ها برای پذیرش دختران در دانشگاه‌ها، می‌تواند سهم آنان را در هیات‌های علمی کاهش دهد.

تبدیل رشته مطالعات زنان به حقوق زن در اسلام

از دیگر اقدامات صورت‌گرفته در دولت‌های نهم و دهم، کاهش سهم پذیرش در رشته‌های مطالعات زنان و تغییر کلی این رشته در دانشگاه‌های کشور بود. خرداد سال گذشته بود که رشته «مطالعات زنان» در دانشگاه‌های کشور به رشته «حقوق زن در اسلام» تبدیل شد؛ اقدامی که جزو اولین گام اجرایی اسلامی‌سازی علوم انسانی محسوب می‌شد و این مصوبه در حالی از سوی شورای تخصصی تحول و ارتقای علوم انسانی شورایعالی انقلاب فرهنگی صادر شد که اعضای آن متشکل از ۲۰عضو حقیقی و حقوقی بود که ۱۲ نفر از آنان را روحانیان و فعالان حوزه‌های علمیه تشکیل می‌دادند؛ شورایی که ایستگاه آخر تصویب تغییرات در علوم انسانی است و مصوبات آن براساس قانون شورایعالی انقلاب فرهنگی در «اسرع وقت لازم الاجراست». اعضای این شورا به ریاست «غلامعلی حدادعادل» عضو شورایعالی انقلاب فرهنگی، چگونگی تدوین و اصلاح سرفصل‌های دوره دکترای تخصصی رشته مطالعات زنان با گرایش حقوق زن در اسلام را ارایه کردند. این اقدام پس از پایان پروژه پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی با بازنگری در سرفصل‌های علوم انسانی و ورود دانشگاه‌های دولتی به‌خصوص دانشگاه علامه طباطبایی در بازنگری محتوایی دروس صورت گرفت. همچنین رشته مطالعات زنان و جایگزین‌شدن رشته «حقوق زن در اسلام» اولین گام شورای تخصصی تحول و ارتقای علوم انسانی شورایعالی انقلاب فرهنگی در تکمیل پروژه‌های پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی و دانشگاه علامه طباطبایی بود چرا که پیش از این وزارت علوم با همکاری دانشگاه‌های کشور و مراکزی نظیر حوزه‌های علمیه، پژوهشگاه حوزه و دانشگاه و دانشگاه علامه طباطبایی اقدام به تشکیل کارگروه‌هایی تخصصی برای بازنگری در علوم انسانی کرد و به موجب آن در نظر دارد علوم انسانی و سایر رشته‌های دانشگاهی را با شاخص‌های خاص خود مورد بازنگری محتوایی قرار دهد. همچنین با رفع موانعی همچون نداشتن مصداق، میزان و نقشه راه در بازنگری علوم انسانی مسوولان به سمت بازنگری سالانه چهار هزار سرفصل دروس دانشگاهی خیز برداشته‌اند؛ خیزشی که در نوع خود نشان‌دهنده اجرای فاز جدید از بازنگری در علوم انسانی و دروس دانشگاهی و ایجاد نگرانی‌هایی برای چگونگی بازنگری در رشته‌های دانشگاهی است.

حذف رشته مطالعات زنان در دانشگاه تهران و علامه‌طباطبایی

تازه‌ترین مصداق به کام‌نبودن سیاست‌های وزارت علوم برای زنان، حذف رشته مطالعات زنان در دانشگاه تهران طی هفته گذشته است. دانشگاه‌های ایران امروز به برگ‌ریزان پاییزی می‌مانند. روزی رشته‌های فنی چون مهندسی نفت و معدن مردانه می‌شوند و زنان از تحصیل در آنها محروم. روزی دانشکده مدیریت و اقتصاد دانشگاه شریف که مصداقی روشن از دانشکده‌ای موفق است، یک‌شبه تعطیل می‌شود، روز دیگر استادی بازنشسته می‌شود یا دانشگاه‌هایی با قدمت ۳۰ تا ۴۰سال یک‌شبه ادغام می‌شوند و یک‌شبه ادغام آنها لغو می‌شود. آن‌هم در نهادی چون دانشگاه که ثبات مدیریتی برای آن حیاتی است و تصمیمات باید به جای مسوولان دولتی توسط بدنه دانشگاه گرفته شود. حالا رشته «مطالعات زنان» در دانشگاه مادر کشور یعنی دانشگاه تهران یک‌شبه تعطیل شده است. بررسی دفترچه‌های آزمون کارشناسی ارشد سال ۹۲ نشان می‌دهد رشته مطالعات زنان در بین دانشگاه‌های ایران یک غایب بزرگ دارد. بر اساس اطلاعات مندرج در دفترچه انتخاب رشته آزمون کارشناسی ارشد سال ۹۲ ظرفیت این رشته در دانشگاه تهران که اولین دانشگاه موسس این رشته بوده است در سال‌جاری به صفر رسیده است و پس از دانشگاه علامه طباطبایی که در سال گذشته اقدام به حذف این رشته کرد، دومین دانشگاه مهم و دولتی کشور، دیگر دانشجویی در رشته مطالعات زنان پذیرش نمی‌کند.

رشته مطالعات زنان که طی سال‌های گذشته با تغییرات زیادی روبه‌رو شد و در نهایت به ایجاد گرایش‌های زن و خانواده و حقوق زن در اسلام منتهی شد، امسال در دانشگاه تهران هیچ ظرفیتی را به خود اختصاص نداده است. این رشته سال گذشته نیز از رشته‌های دانشگاه علامه‌طباطبایی حذف شده بود. تنها دانشگاه‌های اصفهان، الزهرا، تربیت مدرس، خوارزمی تهران، شیراز و شهید باهنر کرمان این رشته را در دفترچه درج کرده‌اند.

دریچه

سیمای آموزش عالی در آینه آمار

برای بررسی وضعیت زنان در آموزش عالی باید نیم‌نگاهی نیز به سیمای کلی آموزش عالی در کشور داشت. هم‌اکنون از مجموع بیش از چهار میلیون دانشجوی کل کشور تنها ۱۰درصد آنها مشغول تحصیل در دوره‌های کارشناسی ارشد و دکترا هستند و باقی یعنی ۹۰درصد آنها در دوره‌های کارشناسی و کاردانی تحصیل می‌کنند. همچنین از مجموع کل استادان دانشگاهی کشور تنها چهاردرصد استادتمام و ۴۵درصد مربی یعنی با حداقل مدرک کارشناسی ارشد هستند. آمار قابل تامل دیگر سهم دولت در آموزش دانشجویان است. هم‌اکنون ۱۳درصد از کل دانشجویان در دانشگاه‌های دولتی وابسته به وزارت علوم تحصیل می‌کنند و باقی در دانشگاه‌هایی هستند که در قبال ارایه خدمات آموزشی از دانشجویان پول دریافت می‌کنند. بر این اساس از میان بیش از چهار میلیون دانشجوی کشور ۷/۲۲درصد مربوط به مقطع کاردانی، ۸/۶۵ درصد مربوط به مقطع کارشناسی، ۲/۹ درصد مربوط به مقطع کارشناسی ارشد، ۲/۱ درصد مربوط به مقطع دکترای حرفه‌ای و ۱/۱درصد مربوط به مقطع دکترای تخصصی است. سهم دانشگاه آزاد از حدود ۵۰درصد جمعیت دانشجویی کشور به ۳۵/۸ درصد کاهش یافته است، ۷/۱۳ درصد از دانشجویان ذکر شده در مجموعه‌های وزارت علوم، ۶/۲۴ درصد در دانشگاه پیام‌نور، ۸/۹ درصد در دانشگاه جامع علمی-کاربردی، ۳/۴درصد در دانشگاه فنی حرفه‌ای، ۱۳/۰درصد در زیر مجموعه‌های وزارت آموزش‌وپرورش، ۵۲/۰درصد در سایر دستگاه‌های اجرایی، ۱/۳درصد در وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی، ۸/۳۵ درصد در دانشگاه آزاد اسلامی و ۹درصد نیز در موسسات آموزش عالی غیردولتی و غیرانتفاعی مشغول به تحصیل هستند. در حال حاضر دارای ۶۶هزارو۳۱۴ عضو هیات علمی هستیم که ۳/۴درصد آنها دارای مرتبه استاد تمام، ۶/۹ درصد مرتبه دانشیار، ۶/۳۹ درصد مرتبه استادیار، ۹/۴۲ درصد دارای مرتبه مربی و ۷/۳ درصد مربی آموزشیار هستند. از ۶۶هزارو۳۱۴ عضو هیات علمی، ۱۸ هزارو۲۸۲ عضو هیات علمی مربوط به وزارت علوم است که از میان اعضای هیات علمی مشغول به تدریس در وزارت علوم ۱/۸درصد دارای مرتبه استاد تمامی، ۴/۱۷درصد دارای مرتبه دانشیار و ۷/۵۵درصد دارای مرتبه استادیاری هستند.

نگاه

مساله دختران دانش‌آموخته و بازار کار

ابراهیم صالحی‌عمران

حضور زنان در دانشگاه ضمن اینکه می‌تواند شاخصی برای نشان‌دادن شرکت آنان در امور فرهنگی و اجتماعی باشد، پیامدهای آن و وضعیت اقتصادی و اشتغال زنان در دوران پس از تحصیل هم لازم است مورد توجه سیاستگذاران آموزش‌عالی کشور قرار گیرد. یکی از مولفه‌های مهم قضاوت درباره کارایی داخلی و خارجی آموزش‌عالی جامعه، کیفیت آموزش نیروی انسانی در هماهنگی بین نیازها و تغییرات بازار کار است. آمارهای رسمی تا پیش از این نشان می‌دهد که فقط ۱۱ درصد زنان نیروی کار جامعه را تشکیل می‌دهند و این وضعیت طی سال‌های ۱۳۳۵ تا ۱۳۷۵ تغییر چندانی نکرده است.

سوابق مطالعات صورت گرفته در این‌باره همچنین، نشان می‌دهد که مساله اشتغال دانش‌آموختگان، طی سال‌های اخیر در ایران به عنوان یکی از چالش‌های اساسی اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی و در زمره مهم‌ترین تهدیدهای امنیت و توسعه ملی مطرح شده است. از سوی دیگر طی سال‌های اخیر بسیاری از دانش‌آموختگان زن دانشگاه قادر به یافتن شغل پس از فارغ‌التحصیلی نیستند.

بر همین اساس علل مختلفی همچون آشنایی با موانع اشتغال درباره عواملی نظیر آشنانبودن با کارفرمایان (نبود پارتی)، عدم‌تناسب رشته آموزشی با نیازهای شغلی در شهر و استان، کمبود تجربه عملی در دانشگاه، ازدواج و مشکلات مربوط به نگهداری فرزندان، مخالفت خانواده با کارکردن خارج از منزل، تبعیض جنسیتی در بازار کار، علاقه به ادامه تحصیل در مقاطع بالاتر از کارشناسی، روزآمدنبودن مطالب درسی دانشگاهی، تعداد زیاد دانش‌آموختگان و نبودن اطلاعات کافی از وضعیت بازار کار مد نظر پژوهشگران قرار گرفته است. با این حال در بررسی وضعیت اشتغال دانش‌آموختگان مراکز آموزش‌عالی باید از یک‌طرف به بعد عرضه نیروی انسانی از سوی سیستم‌های آموزش‌عالی و از طرف دیگر، به بعد تقاضای نیروی انسانی در جامعه توجه شود؛ به عبارت دیگر، کمیت و کیفیت آموزش‌های ارایه شده در دانشگاه‌ها تنها به یک بعد از ساختار تربیت نیروی انسانی متخصص می‌پردازد. این در حالی است که بخش مهم و اساسی دیگری به نام نیازهای اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جامعه است که زمینه ورود و جذب نیروی انسانی را به جامعه فراهم می‌آورد.

از سوی دیگر وقتی که افراد به سراغ آموزش می‌روند به دنبال افزایش درآمد و منافع آتی هستند، این مساله آنها را به سمت سرمایه‌گذاری آموزشی سوق می‌دهد. با توجه به نگرش مثبتی که به این موضوع وجود داشت، دولتمردان دست به گسترش آموزش‌عالی زدند که بخش آموزش‌عالی زنان را نیز تحت‌تاثیر خود قرار داد. البته در این تئوری تناقضاتی وجود دارد، از جمله تناقض بین رشد سریع آموزش و استخدام با مزد کم، بیکاری دانش‌آموختگان، عدم توانایی لازم برای جذب‌شدن به بازار کار که باعث شد این سرمایه‌گذاری مخاطره‌آمیز باشد. با این حال این سوال پیش می‌آید که آیا ورود زنان به بازار کار و کسب درآمد بیشتر تابع توانمندی‌ها، آموخته‌ها، نگرش‌ها و آن چیزی است که سرمایه انسانی مطرح می‌کند یا بحث دسترسی به قدرت مطرح است؟

باید این نقد را که با نظریه سرمایه انسانی در ایران مطرح شده است بپذیریم. دسترسی به قدرت می‌تواند اشتغال را دگرگون کند و ورود زنان به بازار کار را تحت‌تاثیر قرار دهد، اگر این عامل به صورت قوی وجود داشته باشد بعید می‌دانم زنان همچنان به همین میزان متقاضی آموزش‌عالی باشند و ممکن است در صورت قوی‌بودن این عامل، زنان هم همچون مردان گرایش خود را به آموزش‌عالی از دست دهند.

فارغ از مسایل مطرح شده بررسی وضعیت اشتغال زنان موضوع دو وجهی‌ای است که نیازمند مطالعه شرایط مختلف درون‌دانشگاهی و برون‌دانشگاهی است. اما آنچه از یکی از این بررسی‌ها حاصل شده است، شناخت ویژگی‌ها و نظرهای نیروی انسانی تربیت شده توسط یکی از مراکز دانشگاهی کشور است که نتایج آن را می‌توان به شرح زیر خلاصه کرد:

۱- بین ۱۶۷ نفر دانش‌آموختگان زن دانشگاه، ۵۶/۹درصد شاغل و ۴۳ درصد آنها بیکار بودند.

۲-از بین دانش‌آموختگان شاغل، ۵۶ درصد در بخش خدمات، ۳۲درصد در بخش صنعت و ۱۰درصد در بخش کشاورزی به کار مشغول بودند.

۳-از بین نمونه تحقیق؛ یعنی دانش‌آموختگان زن شاغل، ۸۴ درصد مربوط به رشته‌های فنی و مهندسی، ۵۶ درصد مربوط به رشته‌های علوم‌انسانی، ۵۰ درصد مربوط به رشته‌های علوم پایه و در نهایت ۳۸ درصد مربوط به رشته‌های علوم کشاورزی بودند. در بررسی عوامل موثر در جذب به بازارکار، دانش‌آموختگان زن معتقد بودند که عواملی نظیر دانش‌ها و اطلاعات کسب شده در دوران تحصیل در دانشگاه، وجودداشتن زمینه‌های شغلی متناسب با رشته تحصیلی و مهارت عملی به دست آمده از آموزش، در دستیابی آنها به شغل موثر بوده‌اند. این نتایج با یافته‌های صادقی و عمادزاده (۱۳۸۳)، میرزایی (۱۳۸۳) و فراستخواه (۱۳۸۲) مطابقت دارد که افزایش تحصیلات و آموزش زنان، احتمال ورود آنان را به بازار کار افزایش می‌دهد. این یافته‌ها به برنامه‌ریزان آموزش‌عالی یادآوری می‌کند که در برنامه‌ریزی توسعه آموزش‌عالی نظریه‌های تقاضاگرایی را جایگزین نظریه‌های عرضه‌گرایی سازند.

بنابراین، وضعیت اشتغال زنان نیز از نظر درصد اشتغال و زمینه و رشته‌های آموزشی جذب شده در بازار کار شبیه سایر دانش‌آموختگان مراکز آموزش‌عالی است؛ به عبارت دیگر، چنانچه رشته تحصیلی دانش‌آموختگان با نیازهای بازار کار و اشتغال همخوانی داشته باشد بر این اساس پیشنهاد می‌شود: ۱-از آنجا که بیشترین درصد اشتغال زنان در بخش خدمات است، در برنامه‌ریزی اقتصادی، بخش خدمات توسعه بیشتری یابد تا زمینه‌های مساعدتری برای جذب دانش‌آموختگان زن فراهم آید.

۲- داده‌های حاصل از تحقیق نشان می‌دهد که دانش‌آموختگان زن در رشته‌های فنی و مهندسی فرصت بیشتری برای جذب در بازارکار داشتند. بنابراین، توسعه رشته‌های فنی و مهندسی نیز می‌تواند زمینه‌های بهتری را برای اشتغال زنان فراهم آورد.

۳-با توجه به تاثیرگذاری مهارت‌های عملی در کنار تحصیل در دانشگاه در جذب دانش‌آموختگان زن به اشتغال، تاکید می‌شود که آموزش‌های غیررسمی و کوتاه‌مدت بعضی از مهارت‌ها در دوران تحصیل در دانشگاه نیز مورد توجه برنامه‌ریزان آموزش‌عالی قرار گیرد.

۴- بسیاری از دانش‌آموختگان، اشتغال را در بخش دولتی جست‌وجو می‌کنند و عدم اشتغال به کار را ناشی از عدم جذب دستگاه‌های دولتی به نیروهای جدید می‌دانند. بنابراین، پیشنهاد می‌شود که زمینه‌هایی برای تغییر نگرش دانشجویان برای کار در بخش خصوصی فراهم آید؛ به عبارت دیگر، اشتغال در بخش‌های خصوصی نیز باید مورد توجه دانش‌آموختگان قرار گیرد و آنها تنها راه اشتغال را استخدام در بخش دولتی نبینند.

۵- از آنجا که نبود اطلاعات کافی از وضعیت بازار کار و عدم‌تناسب رشته‌های آموزشی با نیازهای بخش اشتغال در استان و شهر جزو موانع است، پیشنهاد می‌شود که مراکزی در دانشگاه تاسیس شود تا اطلاعات کامل و جامعی از وضعیت اشتغال به کار در دو بخش دولتی و خصوصی در اختیار دانشجویان قرار دهد.

جدول ۱۷۱۲

افقی:

۱ - نام دیگر سوره یوسف - اولین جانی تاریخ ۲ - شکسته بند - استاندار عهد بوق ۳ - مادر عرب - بی‌رونق - جای عشق آنجاست -مستقبل ۴ -هوایی که در شش‌ها داخل و خارج می‌شود - بالا رفتن حرارت بدن - امر به آمدن - سوگ ۵ - صعود - پایان‌ها ۶ - جرقه آتش - تاسیس‌کننده - سروده غرور آفرین ۷ - ننوی بچه - سپاسگزاری ۸ - انبار کشتی - هریک از پنج خشکی عالم - کشور همسایه -ضد کهنه ۹ - غلبه و چیرگی - پرهیز کردن ۱۰-کوشش‌کننده-ماه‌گونه-عدد۱۱-پهلوان‌قدرتمند یونان - خبرگزار ۱۲ - یک‌دهم - ولیکن - یکدندگی - بیهوده ۱۳ - شانس و اقبال - خوشگل ترکی - واحدی برای لیتر - گیاه مرداب ۱۴ - اغتشاش - به پایان بردن ۱۵ - ضارب - سند اجاره ملکی

عمودی:

۱ - شهر ترکیه - ناگواری - اتومبیل آلمانی ۲ - هر چیز گستردنی - بافتن - دود ۳ - پسوند شباهت - بزرگ - باغ انگور ۴ - درختی که بار ندهد - سدی در استان اردبیل - بالا آمدن آب دریا ۵ - کتاب مذهبی زرتشتیان - همان مادر - مخفف گناه ۶ - گزیده هر چیز - انقلابی فرانسه که در حمام کشته شد - کاشف الکل ۷ - شیرینی چای - از مواد دفعی بدن - کامل‌کننده ۸ - عدد قرن - ماچ آبدار - خواهش‌های نفسانی - برآمدگی ته کفش ۹ - سنجش - شتابنده - بخشش ۱۰ - سر گوسفند را می‌برد - قوای نظامی یک کشور - واحد مایعات ۱۱ - چهارچوب عکس - از صفات خدا - مبارک ۱۲ - گوشت آذری - نزدیک به هم - سخنان بیمارگونه ۱۳ - نام سابق دشتستان - بزرگ‌ترین سوره قرآن - آب تازی ۱۴ - اتحادیه شرکت‌های هواپیمایی - رژه جنگی - جدید و امروزی ۱۵ - اشتباه معروف - نام قدیم کربلا - خرج زندگی

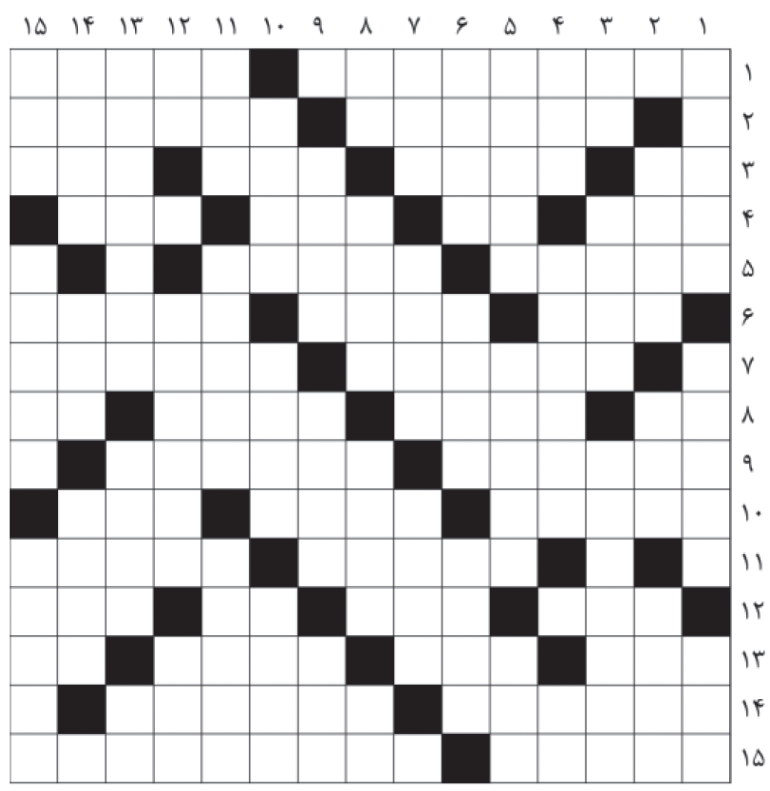

جدول ۱۷۱۱

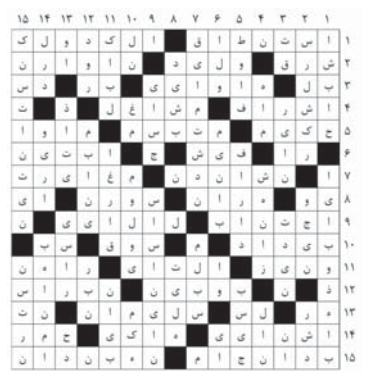

قانون‌های حل جدول سودوکو:

۱- در هر سطر و ستون باید اعداد یک تا ۹ نوشته شود. بدیهی است که هیچ عددی نباید تکرار شود.

۲- در هر مربع ۳×۳ اعداد یک تا ۹ باید نوشته شود و در نتیجه هیچ عددی نباید تکرار شود.

سودوکو سخت ۳۶۴

		۴		۵	۷			۸
		۵				۶	۹	۱
۲						۷	۴	
						۹		
				۳		۸	۷	۶
			۱				۵	۳
				۱	۶		۸	
		۹	۲		۸	۳		
۷					۳	۱		

حل سودوکو سخت

سودوکو

سودوکو Sudoku یک واژه ترکیبی ژاپنی به معنای عددهای بی‌تکرار است و امروزه به جدولی از اعداد گفته می‌شود که به عنوان یک سرگرمی رایج در نشریات کشورهای مختلف به چاپ می‌رسد.

سودوکو ۷۱۵

۲		۵	۶				۸	
		۷		۸	۳	۴		۶
				۵	۷	۲		۳
۴	۹					۱	۷	
۱		۲	۷		۹	۶		
۷		۶	۴			۳	۲	۹
۶		۹	۸	۲				
۵					۴			
		۸	۱	۷				۴

حل سودوکو ۷۱۴

۹	۱	۵	۶	۲	۴	۷	۸	۳
۸	۲	۶	۳	۵	۷	۱	۹	۴
۴	۳	۷	۹	۱	۸	۶	۲	۵
۶	۵	۸	۲	۹	۱	۳	۴	۷
۳	۹	۴	۵	۷	۶	۲	۱	۸
۲	۷	۱	۴	۸	۳	۹	۵	۶
۵	۸	۲	۷	۳	۹	۴	۶	۱
۱	۴	۳	۸	۶	۲	۵	۷	۹
۷	۶	۹	۱	۴	۵	۸	۳	۲